

حمایت از مالکیت‌های ادبی و هنری و سیر تحول آن در حقوق ایران

محسن اسماعیلی *

چکیده: اهمیت و تأثیر حقوق مالکیت‌های فکری، به‌ویژه آثار ادبی و هنری، در دنیای امروز ناشناخته نیست. قوانین ملی و معاهدات بین‌المللی در این زمینه دارای پیشینه‌ای طولانی بوده و هم‌اکنون نیز در حال رشد و توسعه روزافزون است. با وجود این، موضوع مورد بحث در نظام حقوقی کشور ما شاهد فراز و نشیب‌هایی بوده است که آگاهی از آن برای تحلیل و نقد درست قواعد موجود ضرورت دارد. قانون‌گذارهای اولیه، پس از مواجه شدن با دورانی از ابهام و تردید، آغازی دوباره داشته و به دوران تثبیت و شکوفایی خود نزدیک می‌شوند.

این در حالی است که هنوز هم ایران به هیچ یک از معاهدات بین‌المللی در این باره نپیوسته است ولی موافقت‌نامه‌های دوجانبه و گاهی نیز واقعیتهای جهان معاصر ما را ناگزیر به رعایت مقررات مربوط ساخته است.

واژگان کلیدی: حقوق مالکیت‌های معنوی، مالکیت‌های ادبی و هنری، تاریخ حقوق ایران

* دکتر حقوق خصوصی، رئیس دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق(ع) و عضو حقوق‌دان شورای نگهبان.

مقدمه؛ طرح موضوع و اهمیت آن

حقوق مالکیت‌های فکری^(۱) امروزه توانسته است به عنوان شعبه‌ای مهم از شعبه‌های علم حقوق خودنمایی کرده به مثابه ضرورتی انکارناپذیر درآید. تحول زندگی بشر، تخصصی شدن مشاغل اجتماعی، پیچیدگی روابط اقتصادی و پیشرفتهای حیرت‌آور ارتباطات و فناوری^(۲) از جمله عوامل رشد و ارتقای جایگاه این بحث است.

زندگی ساده و آسان انسان گذشته این امکان را برای او پدید آورده بود که همه نیازهای مادی خود را از راه فعالیت‌های ابتدایی اقتصادی فراهم آورد و از طریق «کدیمین» و «عرق جبین» روزگار خویش را بگذراند. به این جهت و نیز از آن جهت که علم و صنعت نیز مراحل طفولیت خود را پشت سر می‌گذاشت، تلاش‌های علمی کمتر صورت می‌گرفت و آنان هم که به این گونه فعالیت‌ها دل بسته بودند، تنها به قصد اقناع وجدان و خدمت بی‌منت به هموعان از اوقات فراغت خویش چشم‌پوشیده از ابداعات فکری یا اختراعات صنعتی انگیزه مادی در نظر نداشتند.

اما قصه روزگار ما داستانی متفاوت است؛ نیازهای مادی و سطح زندگی‌ها به شدت گسترش و ارتقا یافته است، پیشرفت علم و فناوری، تقسیم کار در اجتماع را ناگزیر ساخته است و تقریباً کسی نمی‌تواند هم‌زمان با پرداخت اصولی و عمیق به خلاقیت‌های فکری، به اشتغال و کسب درآمد از مشاغل معمول نیز بیندیشد.

برخلاف گذشته، آثار فکری ارزش مادی نیز پیدا کرده به عنوان تنها راه یا اصلی‌ترین راه تأمین نیازهای مادی پدیدآورندگان شناخته می‌شود. از سوی دیگر پیشرفت و تنوع روزافزون وسایل ارتباطی، این سرمایه‌ها را در معرض

خطرهای بزرگ قرار داده است. برای مثال با پیدایش صنعت چاپ در اواخر قرن پانزدهم میلادی سوء استفاده از کتاب و نوشته‌های علمی سهولت و سرعت زیادی پیدا کرد و به همین جهت گفت‌وگو پیرامون «حق مؤلف» طولانی‌ترین پیشینه را در میان مباحث مربوط به حقوق مالکیت‌های معنوی داراست.^(۱) در دوران ما نیز دیگر نمی‌توان از حبس و حفظ اطلاعات سخن گفت. در یک لحظه می‌توان محصول عمری تلاش فکری افراد را جابه‌جا کرد یا هزاران جلد کتاب بی‌نظیر را در لوحی فشرده انتقال داد. پیشرفتهای رایانه‌ای، حتی محرمانه‌ترین و شخصی‌ترین اطلاعات را در معرض دستیابی دیگران قرار داده است و پیچیده‌ترین روشها نیز نتوانسته است از ورود نامحرمان به خزانه اسرار افراد و نهادها جلوگیری کند؛ این گونه است که چگونگی حفظ زندگی خصوصی شهروندان از دستبرد رسانه‌ای به دغدغه‌ای جدی در میان مصلحت‌اندیشان و خیرخواهان تبدیل شده است.

از این رو، دوران کنونی شاهد گسترش و توسعه مباحث مربوط به حقوق مالکیت‌های فکری است. افزون بر اینکه دیگر کمتر کشوری فاقد قوانین ملی برای حمایت از این حقوق است، بازنگری در کنوانسیونهای متعدد جهانی مربوط نیز در دستور کار مجامع حقوقی قرار دارد و تلاش می‌شود تا ضمن اصلاح، به روز و تکمیل کردن این مقررات، الحاق دولتها به آن آسان‌تر شود. تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)^(۲) که در سال ۱۹۷۴ میلادی به عنوان یکی از سازمانهای تخصصی سازمان ملل متحد شناخته

۱. از همین رو در بسیاری از موارد به جای اصطلاح «حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری» از اصطلاح «حق مؤلف» استفاده می‌شود. در حالی که اصطلاح اصلی افزون بر حمایت‌های مربوط به کتاب، شامل گونه‌های دیگر آثار ادبی و هنری نیز می‌شود. نظیر مجسمه‌سازی، نمایش، موسیقی و فیلم. برای نمونه ر.ک: ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۱ دی ۱۳۴۸ و نیز ماده ۸ کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی.

شد، با هدف «پیشبرد حمایت مالکیت معنوی در سراسر جهان از طریق همکاری در میان کشورها در صورت اقتضا با همکاری هر سازمان بین‌المللی دیگر» (بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی) در همین راستا صورت گرفته است. این سازمان وظیفه دارد تا «ارتقا و توسعه تدابیر پیش‌بینی شده برای تسهیل حمایت مؤثر از مالکیت معنوی در سراسر جهان و هماهنگی قوانین ملی در این زمینه» (بند ۱ ماده ۴ همان کنوانسیون) را دنبال کند.

برای مثال «تشویق انعقاد قراردادهای بین‌المللی مربوط به ارتقای حمایت از مالکیت معنوی» و «پیشنهاد همکاری به کشورهایی که خواهان کمکهای حقوقی - فنی در زمینه مالکیت معنوی می‌باشند» از جمله وظیفه‌های دائمی این سازمان است. (بندهای ۴ و ۵ ماده ۴ همان کنوانسیون)

با وجود این، ارائه تعریفی جامع و مانع از حقوق مالکیت‌های معنوی به اندازه‌ای که دشوار است، لازم نیست. به همین دلیل، هم در اسناد معتبر بین‌المللی و هم در تحقیقات و نوشته‌های حقوقی، به تبیین موارد و مصداق‌های آن بسنده می‌شود.

به عنوان نمونه‌ای رسمی، باید گفت: «مالکیت معنوی شامل حقوق مربوط با موارد زیر خواهد بود:

- آثار ادبی، هنری و علمی؛

- نمایش‌های هنرمندان بازیگر، صدای ضبط شده، برنامه‌های رادیویی؛

- اختراعات در کلیه زمینه‌های فعالیت انسان؛

- کشفیات علمی؛

- طراحی‌های صنعتی؛

- علائم تجاری، علائم خدماتی، نامهای تجارتي و عناوین؛

- حمایت در برابر رقابت نامطلوب؛

- و سایر حقوقی که ناشی از فعالیت معنوی در قلمرو صنعتی، علمی،

ادبی و هنری می‌باشد». (ماده ۸ همان کنوانسیون)

مرسوم است که مصداق‌های مالکیت فکری را به دو بخش کلی تقسیم می‌کنند و مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهند؛ یکی مالکیت‌های ادبی و هنری و دیگری مالکیت‌های صنعتی و تجاری.

قانون‌گذار ایران، «اثر»‌های مورد حمایت در بخش نخست را در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۳۴۸، شمارش کرده است. طبق ماده یک قانون مذکور «از نظر این قانون به مؤلف و مصنف و هنرمند «پدیدآورنده» و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته «اثر» اطلاق می‌شود».

براساس ماده دو همین قانون «اثرهای مورد حمایت این قانون به شرح زیر است:

۱. کتاب و رساله و جزوه و نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و فنی و ادبی و هنری؛
۲. شعر و ترانه و سرود و تصنیف که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد؛
۳. اثر سمعی و بصری به منظور اجرا در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا بخش از رادیو یا تلویزیون که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد؛
۴. اثر موسیقی که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد؛
۵. نقاشی و تصویر و طرح و نقش و نقشه جغرافیایی ابتکاری و نوشته‌ها و خط‌های تزئینی و هرگونه اثر تزئینی و اثر تجسمی که به هر طریق و روش به صورت ساده یا ترکیبی به وجود آمده باشد؛
۶. هرگونه پیکر (مجسمه)؛
۷. اثر معماری از قبیل طرح و نقشه ساختمان؛

۸. اثر عکاسی که با روش ابتکاری و ابداع پدید آمده باشد؛
 ۹. اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالی و گلیم؛
 ۱۰. اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه (فولکلور) یا میراث فرهنگی و هنر ملی پدید آمده باشد؛
 ۱۱. اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکاری داشته باشد؛
 ۱۲. هرگونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده در این فصل پدید آمده باشد».
- موضوع بخش دوم، یعنی مالکیت صنعتی و تجاری، نیز عبارت است از: اختراعات، اکتشافات، علائم صنعتی و تجاری، نام تجاری و سرقفلی.
- حقوق ایران در این زمینه دارای قوانین قدیمی تر و گاه پراکنده‌ای است که معروف‌ترین آنها را می‌توان «قانون ثبت علائم و اختراعات» مصوب سال ۱۳۱۰ دانست. همچنین، ایران در سال ۱۳۳۷ به کنوانسیون بین‌المللی پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی و تجاری و کشاورزی ملحق شده است.
- لازم به یادآوری است که برخلاف مالکیت‌های ادبی و هنری که در «حقوق مدنی» مورد بحث قرار می‌گیرند، مالکیت‌های صنعتی و تجاری مربوط به حقوق بازرگانی است و سرقفلی نیز (که در حقوق ایران حق کسب و پیشه و تجارت نامیده شده است) در ضمن عقد اجاره مطرح می‌شود.
- موضوع این نوشتار تنها بررسی تحولات تاریخی قوانین مربوط به حمایت از مالکیت‌های ادبی و هنری است.
- این تحولات را می‌توان به دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن تقسیم کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ابتدا شاهد ابهامات و تردیدهایی درباره مشروعیت این حقوق بوده‌ایم ولی اوایل دهه هفتاد این تردیدها از میان رفت و اکنون توسعه حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری آغاز شده است. مرور گذرا بر هر یک از این مراحل و بررسی موضع ایران در روابط خارجی پیرامون این حقوق، بخشهای بعدی این نوشتار خواهد بود.

۱. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

شروع گفت‌وگو راجع به حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری را به زمان اختراع چاپ توسط اروپاییها در قرن پانزدهم مربوط می‌کنند. تا قبل از آن تکثیر آثار امری بس دشوار بود. دست نوشته‌ها را تنها می‌شد با دست بازنویسی کرد. و این مسئله شمار نسخه‌های ممکن را به شدت محدود می‌کرد. بنابراین استفاده‌های بعدی از اثر، به منافع اقتصادی نویسنده آسیبی نمی‌رساند. اما با اختراع ماشین چاپ، هزینه‌های تولید کتاب کاهش و دسترسی به آن گسترش یافت. به دنبال این تحول، یک دست‌نوشته را می‌شد چاپ و در نسخه‌های فراوان تکثیر و در بین عموم توزیع کرد. به این ترتیب آثار فکری به کالاهایی تجاری تبدیل شدند که می‌توانستند برای آفرینندگان خویش منافع فراوانی به همراه آورند. نخستین طرفهای ذی‌نفع در این تجارت جدید، چاپچیان بودند که امتیاز چاپ دست‌نوشته‌های قدیمی را به دست آوردند. بعدها آنان به تدریج چاپ آثار نویسندگان در قید حیات را نیز آغاز کردند.

این گونه بود که به مرور زمان لزوم برخورداری پدیدآورندگان از مزایای آثار تولیدی مطرح شد و برای اولین بار در یازدهم ژانویه ۱۷۰۹ با هدف تشویق فراگیری علم و دانش از طریق اعطای امتیاز قانونی استفاده از نسخ کتب چاپی به نویسندگان یا خریداران در زمانهای معین، پیش‌نویس لایحه‌ای در مجلس عوام انگلستان مطرح شد. این پیش‌نویس به قانون دهم آوریل ۱۷۱۰ موسوم به «قانون ملکه آن»^(۱) تبدیل شد. این نخستین قانون کپی‌رایت در مفهوم نوین این واژه بود که حق فرد در حمایت از اثر منتشر شده‌اش را به رسمیت می‌شناخت. پس از این تاریخ، به تدریج سایر کشورها نیز به تصویب قوانین ملی در این زمینه همت گماشتند. (۲۵-۱۵:۱۳)

کشور ما، ایران، در این زمینه با تأخیری طولانی روبه‌رو است، زیرا تا

پیروزی قیام مشروطه، اصولاً قانون‌نویسی، به سبک جدید آن، در ایران مرسوم نبوده است. شاید نخستین قانون‌گذاری رسمی، اما ضمنی، درباره حق مؤلف در کشور ما به سال ۱۳۰۴ بازگردد. در آن تاریخ بود که «قانون مجازات عمومی» به تصویب کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی (و نه خود مجلس) رسید. [۱۵:۳۱۸] قانون مذکور که مانند تمام قوانین آن دوران، تحت تأثیر قوانین کشورهای اروپایی، به‌ویژه فرانسه، بود به مناسبت بحث از «دسیسه و تقلب در کسب و تجارت» مقرراتی در این خصوص وضع کرده است. در مواد ۲۴۵ تا ۲۴۸ قانون مجازات عمومی که اقتباس از مواد ۴۲۵ تا ۴۲۹ قانون جزای سال ۱۸۱۰ فرانسه محسوب می‌شود، از جرائمی یاد شده است که معنایی جز به رسمیت شناختن حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری ندارد.

طبق ماده ۲۴۵ آن قانون «هرکس تصنیف یا تألیف دیگری را، اعم از کتاب و رساله و نقشه و تصویر و غیره، بدون اجازه مصنف یا مؤلف یا کسی که حق تألیف را از مصنف یا مؤلف تحصیل نموده است کلاً یا بعضاً، شخصاً یا به توسط دیگری به طبع برساند به تأدیه غرامت از پنجاه الی پانصد تومان محکوم خواهد شد. مجازات فوق مقرر است ولو اینکه مرتکب تصرفات جزئی هم در تصنیف یا تألیف که بدون اجازه به طبع رسانده است نموده باشد و معلوم شود که تصرفات مزبور فقط برای حفظ ظاهر و فرار از تعقیب است».

همچنین طبق ماده ۲۴۶ این قانون: «کسی که در تألیف یا تصنیف یا تحریرات مطبوعه خود در غیر موردی که اقتباس محسوب می‌شود، عین جمله تألیف و تصنیف یا تحریر دیگری را بدون ذکر اسم مؤلف یا مصنف یا محرّر ذکر کند به حداقل مجازات مذکوره در ماده فوق محکوم خواهد شد». توجه قانون مجازات عمومی به حفظ حقوق پدیدآورندگان تا آنجا بود که حتی برای فروشنندگان آثار غیرقانونی نیز مسئولیت جزایی در نظر گرفته بود.

بر همین اساس ماده ۲۴۷ تأکید می‌کرد: «هرکس کتاب یا سایر اشیای مذکوره در ماده ۲۴۵ را با علم و اطلاع بفروشد یا به معرض فروش درآورد یا به خاک ایران وارد کند به تأدیه غرامت از ۲۵ الی ۲۰۰ تومان محکوم خواهد شد».

ماده ۲۴۸ نیز شبیه همین مسئولیت را برای متصدیان چاپ و نشر تعیین کرده بود. به موجب این ماده «هرکس تصنیف یا تألیف دیگری را، اعم از کتاب و رساله و نقشه و تصویر و غیره، به اسم خود یا شخص دیگری غیر از مؤلف طبع نماید به تأدیه غرامت از ۱۰۰ الی ۱۰۰۰ تومان محکوم خواهد شد».

دقت نظر و سخت‌گیری مقنن در برخورد با متجاوزان به حقوق نویسندگان از متن مواد یاد شده، خصوصاً میزان جریمه و مجازات مقرر برای آن زمان، به خوبی آشکار است.

با این حال بدیهی است که وضع این چند ماده نمی‌توانست پاسخگوی نیازهای رو به رشد جامعه باشد. به همین دلیل فکر تدوین و تصویب قانونی جداگانه و مستقل مورد استقبال قرار گرفت و در نیمه دوم سال ۱۳۳۴، بیست و دو نفر از نمایندگان طرحی در ۹ ماده و ۲ تبصره تدوین و تقدیم مجلس شورای ملی کردند. این طرح دارای نقائص و کاستیهای بی‌شماری بود؛ از جمله اینکه تمام گونه‌های آثار ادبی و هنری را در بر نمی‌گرفت، به حق معنوی صاحب اثر اشاره نداشت و در آن مبدأ برقراری حق مؤلف تعیین نشده بود. به همین جهت طرح مزبور پس از ارجاع به کمیسیون فرهنگ به فراموشی سپرده شد.

دو سال بعد، یعنی در سال ۱۳۳۶، نیز به علت فشار هنرمندان و مؤلفان، دولت لایحه قانونی موسوم به «لایحه تألیف و ترجمه» مشتمل بر ۱۶ ماده و ۳ تبصره را به مجلس سنا تسلیم کرد که باز هم با توجه به اشکالات محتوایی همانند طرح قبلی عقیم ماند. لایحه قانونی حفظ حقوق مؤلف به عنوان نتیجه مطالعات کمیسیونهای فرهنگ و دادگستری مجلس سنا که در اواخر بهمن

۱۳۳۸ در ۱۸ ماده و یک تبصره تهیه شده بود نیز به همین سرنوشت دچار شد. در سال ۱۳۴۳ نیز وزارت اطلاعات طرحی با عنوان مالکیت ادبی و هنری در ۹۷ ماده تهیه کرد که راه به جایی نبرد.

سرانجام در سال ۱۳۴۷ لایحه‌ای از طرف وزارت فرهنگ و هنر تقدیم مجلس شورای ملی شد که در سال بعد به تصویب رسید. ۱۲:۵۵-۵۶
این قانون با نام «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» مشتمل بر سی و سه ماده و سه تبصره در جلسه یازدهم دی ماه ۱۳۴۸ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

البته همان گونه که ماده آخر قانون فوق پیش‌بینی کرده است، اجرای آن نیازمند تدوین آیین‌نامه‌هایی است که متأسفانه هنوز هم با گذشت چند دهه به تصویب نرسیده است. ماده ۳۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان تصریح کرده است که: «آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون از طرف وزارت فرهنگ و هنر و وزارت دادگستری و وزارت اطلاعات تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید». اما تاکنون تنها «آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۱ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» تدوین و به تصویب رسیده است. این آیین‌نامه که تنها در بردارنده مقرراتی درباره چگونگی ثبت آثار مورد حمایت است، طی هفت ماده در جلسه مورخ ۵۰/۱۰/۴ هیئت وزیران به تصویب رسیده است.

دومین قانون مستقل در این زمینه نیز با نام «قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی» طی ۱۲ ماده و در تاریخ ۶ دی ماه ۱۳۵۲ به تصویب مجلس شورای ملی آن زمان رسیده است. هدف اصلی این قانون جلوگیری از سوء استفاده‌هایی بود که در خصوص نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر کتب و نشریات و به ویژه آثار صوتی صورت می‌گرفت و به نوعی تکمیل قانون پیشین و تأکید بر بخشهایی از آن بود.

۲. دوران ابهام و تردید

با پیروزی انقلاب اسلامی، اجرای قوانین فوق به دلیل شبهه شرعی دچار مشکل شد و برخی دادگاه‌ها با استناد به فتوایی از امام خمینی (ره) در کتاب تحریرالوسیله از صدور حکم بر مبنای قوانین موضوعه خودداری می‌کردند. طبق فتوای مورد نظر، امام خمینی (ره) معتقد بودند:

«آنچه برخی حق چاپ می‌نامند یک حق شرعی نیست. بنابراین نمی‌توان تسلط مردم بر اموالشان را بدون قرارداد و شرط مورد قبول دو طرف، سلب کرد. بنابراین چاپ کتاب و نوشتن این عبارت در ابتدای آن، که "حق چاپ و تقلید برای صاحب آن محفوظ است" حقی ایجاد نکرده و توافق با دیگران محسوب نمی‌شود. در نتیجه چاپ و تقلید از آن جایز است و کسی نمی‌تواند اشخاص را از این کار منع کند.»^(۱) [۴:۵۶۲]

این گونه بود که برای مثال در دادنامه شماره ۲۱۵ مورخ ۶۳/۵/۳ دادخواست مبتنی بر درخواست خسارت ناشی از مبادرت به نشر کتاب بدون مجوز قانونی با این استدلال ردّ شده است که:

«نظر به متن فتوای امام مدظله در کتاب شریف تحریرالوسیله... هرچند این نظر معارض با قانون حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان می‌باشد، ولی در مقام تعارض، رجحان داشته و بنا به مراتب، دادگاه دعوی مدعی را مردود اعلام می‌نماید.» [۱۱:۵۱]

برخی به این رأی و آرائی نظیر آن معترض‌اند که چرا «به جای آنکه بر اساس اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی ابتدائاً حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابند (که در موضوع مورد بحث مخالفتی هم با شرع ندارد)،

۱. متن فنوا چنین است: «ما یسمى عند بعض بحق الطبع ليس حقاً شرعياً، فلا يجوز سلب تسلط الناس على اموالهم بلا تعاقب و تشاؤم، فمجرد طبع كتاب و التسجيل فيه بأن حق الطبع و التقليد محفوظ لصاحبه لا يوجب شيئا و لا يبعد قراراً مع غيره، فجاز لغيره الطبع و التقليد، و لا يجوز لأحد منعه عن ذلك.»

مستقیماً به فتوای معظم له استناد می‌کردند؟^(۱) ۱۱:۵۰

اما این اعتراض، وارد به نظر نمی‌رسد؛ زیرا طبق اصول متعدد قانون اساسی و از جمله اصل چهارم: «کلیه قوانین و مقررات... باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است...» بنابراین اگر قانونی (اصل قانون یا اطلاق یا عموم آن) مخالف موازین اسلامی باشد، در نظام حقوقی ایران دارای اعتبار نیست تا قضات دادگاهها بتوانند بر اساس آن حکم کنند. به عبارت دیگر با این فرض که قوانین مزبور مغایر شرع بوده باشند، اصولاً «قانون» نیستند که بتوان با مراجعه و استناد به آن، قضاوت کرد.

البته درباره قوانینی که پس از تشکیل مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده‌اند، از آن جهت که فقهای شورای نگهبان عدم مغایرت آنها با موازین شرع را تأیید کرده‌اند، چنین فرضی منتفی است و لذا اصل یکصد و هفتم قانون اساسی تنها به «تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی» اشاره می‌کند؛ یعنی مقرراتی که به تأیید شورای نگهبان نمی‌رسند.

طبق این اصل: «قضات دادگاهها مکلف‌اند از اجرای تصویب‌نامه و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود و اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند...». چنان که آشکار است اصل یاد شده، این حق را به دادرسان نداده است که از اجرای قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی به بهانه مغایرت با شرع خودداری کنند؛ چرا که چنین نظارتی قبلاً از سوی شورای نگهبان صورت گرفته است.

با این حال ایرادی که بر رأی مذکور و آرای مشابه آن می‌توان گرفت آن

۱. یادآور می‌شود که طبق اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد».

است که:

اولاً: گرچه قوانین مغایر با شرع فاقد اعتبار حقوقی است، اما به تصریح ذیل اصل چهارم «تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است». و نه شخص قاضی و نه هیچ مرجع دیگری^(۱)؛ ثانیاً فتوای موردنظر در خصوص مالکیت‌های صنعتی و تجاری نیز عیناً تکرار شده است.^(۲) [۴:۵۶۳] از این رو عمل به آن، تنها در خصوص مالکیت‌های ادبی و هنری، و وانهادن همان فتوا در موارد مشابه نوعی دوگانگی است و سرانجام اینکه، ایشان در مسئله

۱. جالب است که رئیس شورای عالی قضائی آن زمان، در استفساریه‌ای از شورای نگهبان چنین درخواستی کرده و پاسخ منفی گرفته است.

ایشان نوشته است با توجه به اینکه «اجرای قوانین و تصویب‌نامه‌های گذشته که بر خلاف موازین اسلامی و صدور حکم بر طبق آنها در محاکم، به خصوص با توجه به اصل چهارم و اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی به هیچ عنوان موجه نیست، این نظر به شورای عالی قضائی پیشنهاد شده که با توجه به این دو اصل، همه قوانین و تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های خلاف اسلام، منسوخ و محاکم موظف‌اند طبق اصل یکصد و شصت و هفتم بر طبق موازین اسلام رأی دهند و این موازین به وسیله شورای عالی قضائی طبق فتوای امام استخراج و به دادسراها و دادگاههای انقلاب و دادسراها و دادگاههای دیگر ابلاغ گردد و به این ترتیب تا تصویب لوایح قانونی در مجلس شورای اسلامی جلوی اجرای احکام خلاف اسلام گرفته شود. خواهشمند است نظر آن شورا را کتباً اعلام فرمائید»

شورای نگهبان در تفسیر رسمی خود چنین پاسخ داده است: «مستفاد از اصل ۴ قانون اساسی این است که به طور اطلاق کلیه قوانین و مقررات در تمام زمینه‌ها باید مطابق موازین اسلامی باشد و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است، بنابراین قوانین و مقرراتی را که در مراجع قضائی اجرا می‌گردد و شورای عالی قضائی آنها را مخالف موازین اسلامی می‌داند، جهت بررسی و تشخیص مطابقت یا مخالفت با موازین اسلامی برای فقهای شورای نگهبان ارسال دارید». ر.ک: **مجموعه نظریات شورای نگهبان، تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی**. مرکز تحقیقات شورای نگهبان، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۴۸، ۴۹.

۲. ایشان در مسئله بعد فرموده‌اند: «ما تعارف من ثبت صنعة و منع غیره عن التقليد و التکثیر لا اثر له شرعاً، و لایجوز منع الغير عن تقلیدها و التجارة بها و لیس یأخذ سلط سلطنة غیره عن اموالیه و نفسه»؛ امام خمینی (ره) در مسئله‌ای دیگر نیز چنین نگاشته‌اند: «ما تعارف من حصر التجارة فی شیء، او اشياء بمؤسسه أو تجار و نحوهما لا اثر له شرعاً، و لایجوز منع الغير عن التجارة و الصنعة المحتلتین و حصرهما فی اشخاص».

جدداً گانه‌ای پس از چند فتوای فوق‌العلام فرموده‌اند که:

«والی مسلمانان حق دارد هرگونه صلاح جامعه مسلمانان است عمل کند مثل آنکه قیمتها را ثابت کند یا حکم به ثبت صنعت یا انحصار تجاری یا هر چیز دیگری کند که در حفظ نظام و مصلحت مردم مؤثر است».^(۱) [۱۴:۵۶۳]

توجه به این مسئله می‌توانست مجوزی شرعی برای اعتبار قوانین مورد بحث تلقی شود، چنان که دادگاه تجدیدنظر نیز در دادنامه شماره ۱۹/۵۶۲-۱۹/۱۰/۶۳ حکم مذکور را به همین دلیل نقض کرد. [۱۱:۵۱]

به هر حال، فارغ از گفت‌وگوهای فوق و اینکه فتوای امام خمینی (ره) در این مورد چه بوده است؛ بر چه استدلالی تکیه زده و آیا تغییر کرده است یا نه^(۲)، این شبهه شرعی برای چندین سال موجب ابهام در سرنوشت حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری و قوانین مربوط به آن شد.

۳. آغازی دوباره

پس از پایان جنگ تحمیلی و شروع دوران سازندگی، اندک اندک چگونگی حمایت از حقوق ناشی از آثار ادبی و هنری به مسئله‌ای جدی برای پدیدآوردندگان، دادگاهها و نظام حقوقی کشور تبدیل شد. گذشته از نقدهای علمی و رایج شدن اندیشه‌ی توجه به حقوق مالکیت‌های فکری، نامه وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی (دکتر علی لاریجانی) به رئیس وقت قوه قضائیه (آیة‌الله محمد یزدی) را باید تحولی مثبت و آشکار در این مسیر دانست. این نامه با اشاره به اهمیت موضوع، در خصوص ابهام حقوقی و تکلیف فقهی مسئله چاره‌جویی کرده و پاسخی مثبت دریافت نموده است.

بازخوانی متن نامه و پاسخ آن که نقطه عطفی در حقوق مالکیت‌های فکری پس از پیروزی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود، خالی از فایده نیست.

۱. «لإمام علیه السلام والی المسلمین أن یعمل ما هو صلاح للمسلمین من تثبیت سعر أو حصر تجارة أو غیرها ممّا هو دخیل فی النظام و صلاح للجامعة».

۲. برخی محققان خبر از عدول امام خمینی (ره) از این فتوا در اواخر عمر ایشان داده‌اند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نامه خویش نوشته است:

«حضرت آیت‌الله یزدی دامت برکاته

ریاست محترم قوه قضائیه

با سلام، احتراماً، همان‌گونه که مستحضرید، ناشرین و مؤلفان و مترجمان از اقشار فرهنگی جامعه هستند که در شرایط فعلی، باید مورد حمایت جدی قرار گیرند و متأسفانه بعضی در چاپ کتب حقوق ناشر و مؤلفین را مراعات نمی‌نمایند. و این در حالی است که قوانین و مقررات مصوب، این حقوق را محترم شمرده است، لکن برخی از محاکم بدون توجه به این قوانین با متخلفین برخورد می‌نمایند. همین مشکل در مورد رعایت حق نمایش فیلمهای سینمایی و آثار سمعی و بصری نیز وجود دارد. از آنجا که حضرت‌عالی شخصیتی فرهنگی و فرهنگ‌دوست می‌باشید، خواهشمند است دستور لازم در رعایت حق نشر، حق تألیف و حق نمایش فیلمهای سینمایی و آثار سمعی و بصری را به محاکم صادر فرمایند».

پاسخ آیت‌الله یزدی نیز به این شرح است:

«وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، جناب دکتر علی

لاریجانی دام‌توفیق

عطف به نامه شماره ۱/۷۵۶۰ مورخ ۷۱/۹/۱ آن جناب، به اطلاع می‌رساند همان‌طور که اشاره شده است، تألیف یک کتاب که ماهها و گاهی سالها عمر یک نویسنده، یک دانشمند، یک محقق را به خود اختصاص می‌دهد و همچنین ترجمه یک اثر که باید گفت که اگر مشکل‌تر از تألیف نباشد، آسان‌تر نیست؛ چه آنکه نیاز به تسلط کامل به دو زبان اصلی و ترجمه

شده دارد، به خصوص آثار فنی و علمی که اصطلاحات خاص خود را دارد و مترجمین باید از دو زبان به طور علمی و کامل شناخت لازم را داشته باشند.

از این دو مهم‌تر، تهیه دیسک‌های کامپیوتری یا فیلمهای سینمایی و به طور کلی آثار سمعی و بصری است که با زحمت فراوان و بهره‌گیری از تکنولوژی و نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای لازم، تهیه و آماده می‌شود که هر یک از این کارها به نوبه خود منشأ حق مکتسبی است که عرف و عقل آن را به روشنی درک نموده و شرع انور رد و ردع نفرموده است. و از طرفی، ملاحظه می‌فرمائید که کسانی حتی فرد کم‌سواد و بی‌اطلاع با تهیه یک نسخه از اصل یا گرفتن زیراکس، فتوکپی نوار، عکس، و چاپ و تکثیر آن حاصل زحمات آن دانشمند و محقق و نویسنده و هنرمند را به یغما برده و میلیونها تومان از آن استفاده می‌کنند و گاهی، حتی دیناری هم، به تهیه‌کننده داده نمی‌شود که ظلم روشن و مشخصی است.

از نظر ما این حق برای مؤلف، مترجم، نویسنده، هنرمند و تهیه‌کننده، شرعی و براساس فصل دوم و سوم قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (مواد ۳ الی ۲۲) و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، دارای مبنای قانونی است که می‌تواند برای خود محفوظ نگه دارد و یا بر اساس قرارداد قانونی به هر کس که مایل باشد، واگذار کند. و در این قرارداد، شرایط مورد نظر خود را منظور دارد که تخلف از آن تصرف در حق غیرشناخته شده و قابل تعقیب کیفری است.

در پایان، توجه جناب عالی را به این نکته مهم جلب می‌کنم

که اولاً در مسائل اجرایی در مواردی که فقهای عظام اختلاف فتوی داشته باشند، باید براساس نظر ولی امر مسلمین عمل نمود. و خوشبختانه، نظر شرعی لازم‌الرعايه و لازم‌الاجرای مقام معظم رهبری و ولی امر مسلمین، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بر همین مطالبی است که توضیح داده شده؛ که من با استفاده از فرصت، به همه همکاران قضایی توجه می‌دهم که طبق قانون و شرع در پرونده‌های مربوط به حق تألیف، ترجمه، تفهیم یک اثر، مثل اختراع ثبت شده و... برخورد نموده و احکام حقوقی لازم را تنظیم و صادر نمایند».

مکاتبه بالا که توأماً دربردارنده توجیه شرعی و دستورالعمل قانونی برای حمایت از حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری بود، علاوه بر فراهم ساختن زمینه صدور آرای قضائی، راهگشای طرح مباحثی شد که در نهایت به تصویب قوانین تکمیلی انجامید.

اولین و بارزترین نمونه این مباحث، جگونگی حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای است. ورود رایانه به زندگی بشر و نقش پررنگی که به سرعت در همه ابعاد اجتماع پیدا کرد، بیم و امیدهای فراوانی را برانگیخت. تکثیر غیرمجاز محصولات نرم‌افزاری به دلیل سهولت و ارزانی آن از جمله بیمهائی است که خلاقیت و ابتکارهای رایانه‌ای را تهدید می‌کند.

تجربه جهانی نشان می‌دهد که برای پیش‌گیری از نقض حقوق پدیدآورندگان رایانه‌ای و بی‌انگیزه شدن آنان، راهی جز حمایت‌های قانونی از تهیه‌کنندگان این نوع محصولات و مبتکرین و سرمایه‌گذاران این صنعت وجود ندارد. این حمایت‌ها از طریق تدوین و استقرار قوانین «حق تکثیر» و اعطای حق انحصاری نشر، پخش، نمایش و عرضه و اجرای اثر یا قوانین «حق اختراع» و اعطای «گواهی مالکیت صنعتی» به این محصولات انجام می‌گیرد. از سوی دیگر به دلیل قدیمی بودن قوانین مربوط به حمایت از مالکیت‌های

فکری در کشور ما، نص این قوانین فاقد صراحت و جامعیت لازم در زمینه محصولات نرم‌افزاری بود؛ در حالی که غیر از مباحث نوپیدای مربوط به نرم‌افزار، ماهیت جزائی این قوانین نیز صراحت موارد شمول آن را الزامی می‌ساخت.

به همین جهت شورای عالی انفورماتیک کشور از ابتدای اسفندماه سال ۱۳۷۰ با تشکیل «گروه بررسی حقوق مؤلفین نرم‌افزارهای کامپیوتری» مطالعات وسیع و مفیدی را سامان داد که بخشی از نتایج آن تحت عنوان «حقوق پدیدآوردندگان نرم‌افزار»^(۱) در ۳۶۲ صفحه منتشر شد.

گام مهم بعدی در این زمینه را باید تصویب «قانون حمایت از حقوق پدیدآوردندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای» در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۴ دانست. این قانون که به تعبیری نخستین مصوبه مجلس شورای اسلامی در زمینه مالکیت‌های ادبی و هنری بود و به تأیید شورای نگهبان هم رسید، طی ۱۷ ماده مقررات جامعی را در این مورد وضع کرد.^(۲)

پس از آن الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به «کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت‌های معنوی» اقدام مهم دیگری است که باید از آن یاد کرد. این الحاق که در تاریخ ۱۳۸۰/۷/۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، نشانه‌ای از تمایل نظام حقوقی ایران برای همگام شدن با تحولات جهانی در عرصه حمایت از مالکیت‌های معنوی است.

همچنین «قانون تجارت الکترونیکی» مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ حاوی مقررات جدید و با اهمیتی در این حوزه است. در این قانون مفصل که هماهنگ با قوانین نمونه جهانی تدوین شده است، ضمن تأکید بر اعتبار

۱. حقوق پدیدآوردندگان نرم‌افزار، دبیرخانه شورای عالی انفورماتیک کشور، ناشر: سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۲. آیین‌نامه اجرایی این قانون نیز در ۳۲ ماده، تعاریف مربوط به نرم‌افزار، حقوق پدیدآوردنده، اختراع نرم‌افزار و جگونگی صدور گواهی ثبت را تعیین کرده است.

قوانین مصوب قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (ماده ۶۲)، فصلهایی به «حمایت از حقوق مؤلف در بستر مبادلات الکترونیکی»^(۱)، «حمایت از اسرار تجاری»^(۲) و «حمایت از علائم تجاری»^(۳) اختصاص یافته (مواد ۶۲ تا ۶۶) و در فصلهای دیگری نیز مجازات نقض حق مؤلف، نقض اسرار تجاری و نقض علائم تجاری مشخص شده است. (مواد ۷۴ تا ۷۶)

۴. مالکیت‌های ادبی و هنری در روابط بین‌المللی

بنابر آنچه گفته شد، در شرایط کنونی هیچ ابهامی در اعتبار مالکیت‌های ادبی و هنری در حقوق ایران وجود ندارد. شبهه‌های شرعی و قانونی در این زمینه، رسماً مرتفع شده و تصویب قوانین پی‌درپی که به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده است، حاکی از تکامل تدریجی این شاخه از علم حقوق در کشور ماست.

با این حال، همه مطالب گذشته، در ارتباط با قلمرو روابط داخلی نظام جمهوری اسلامی ایران است. اما در روابط خارجی هنوز هم تعهدی در این باره وجود ندارد. ایران تاکنون به هیچ یک از معاهدات و کنوانسیونهای بین‌المللی راجع به حمایت از مالکیت‌های ادبی و هنری پیوسته است. الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به «کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی» هم به معنای پذیرش معاهداتی نیست که اکنون در این سازمان مدیریت می‌شوند. در مقدمه این کنوانسیون تصریح شده است که «طرفهای متعاهد... با رعایت احترام کامل نسبت به استقلال هر یک از اتحادیه‌ها» به این معاهده پیوسته‌اند و در بند ۷ ماده ۲ نیز تأکید شده که «منتظر از اتحادیه‌ها، اتحادیه پاریس، اتحادیه‌های ویژه و موافقت‌نامه‌های تنظیم شده در خصوص آن و نیز اتحادیه برن و هرگونه موافقت‌نامه بین‌المللی دیگری

1. Copyright
2. Trade Secrets
3. Trade Names

است که به منظور پیشبرد حمایت از مالکیت معنوی تنظیم شده و اجرای آن از سوی سازمان براساس بند ۳ ماده ۴ تقبیل شده است».

همچنین طبق بند ۲ ماده ۵ «هر کشوری که عضو یکی از این اتحادیه‌ها نباشد، می‌تواند به عضویت سازمان درآید...» البته «دولت‌های عضو این کنوانسیون که عضو هیچ یک از اتحادیه‌ها نیستند، مجاز خواهند بود در جلسات مجمع عمومی به عنوان ناظران شرکت نمایند». (بند ۵ ماده ۶)؛ در حالی که «هر کشوری که عضو یک یا چند اتحادیه باشد، در مجمع عمومی دارای یک رأی می‌باشد». (جزء الف بند ۳ ماده ۶).

بنابراین الحاق ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی صرفاً به منظور حضور در مجامع بین‌المللی و برخورداری از حمایت‌های آن سازمان است؛ بدون آنکه تعهد حقوقی در پی داشته باشد.

با این حال یادآوری دو نکته ضرورت دارد؛ نکته نخست آنکه مبنای این وضعیت، مصلحت است و هرگونه تصمیمی در خصوص الحاق به معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی باید با توجه به مصالح کلی کشور اتخاذ شود. چنانچه پاسخ مقام معظم رهبری به استفسار مورخ ۱۳۷۳/۹/۲۱ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در خصوص انعقاد قراردادهای دوجانبه حق تألیف نیز بیانگر همین امر است.^(۱)

با توجه به همین مسئله برخی از کشورهای در حال توسعه ایرادهای جدی‌ای بر قراردادهای بین‌المللی موجود در این زمینه دارند و معتقدند این معاهدات تنها در بردارنده منافع کشورهای پیشرفته است و از این منظر چنین معاهداتی را مانعی در راه رشد و بالندگی خود می‌دانند.

نکته دوم اینکه عدم پذیرش تعهدات کلی منافاتی با حمایت از مالکیت‌های

۱. برای ملاحظه متن استفسار و پاسخ آن رک: مجموعه قوانین و مقررات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان‌های وابسته، دفتر حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

معنوی در روابط اختصاصی با دولتهای دیگر ندارد. روند مناسبات جهانی ایجاب می‌کند تا در روابط خود با دیگر کشورها، گاه نیازمند به رسمیت شناختن مالکیت‌های معنوی شویم. افزون بر الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به سازمان جهانی مالکیت معنوی که به هر حال نشانه‌ای از تمایل به هماهنگی با نظام جهانی حقوق در این زمینه است، موافقت‌نامه‌های بسیاری را می‌توان مثال زد که حاکی از پذیرش کپی‌رایت در روابط متقابل است.

برای نمونه در بند «ت» ماده یک موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذار بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری فرانسه که در جلسه ۸۲/۷/۱۵ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است، «حقوق مالکیت معنوی و صنعتی از قبیل حق التألیف، حق اختراع، حق پروانه، علائم تجاری، نمونه‌های صنعتی، فرایندهای فنی، دانش فنی، اسامی تجاری و حسن شهرت تجاری» از انواع مال یا دارایی شناخته شده که مشمول اصطلاح «سرمایه‌گذاری» است.

شبهه همین تعبیر در بسیاری دیگر از موافقت‌نامه‌های دوجانبه با دولتهای اوکراین، بلغارستان، تاجیکستان، ایتالیا، کرواسی، ازبکستان، قرقیزستان، گرجستان، تونس^(۱) و... وجود دارد.

افزون بر این موارد، باید توجه داشت که فارغ از تعهدات حقوقی و حتی در مواردی که قانوناً الزامی در این باره وجود ندارد، گاهی ناچار به رعایت مقررات مربوط به حمایت از مالکیت‌های ادبی و هنری در عمل هستیم. حفظ موقعیت و اعتبار کشور، جلب اعتماد طرفهای خارجی و اجتناب از محکومیت در مراجع داورى یا قضایی از جمله این ضرورتهاست.

۱. این موافقت‌نامه در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۳ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده و از سوی شورای نگهبان تأیید شده است.

فهرست منابع

۱. آبتنی (حمید)، حقوق آفرینشهای فکری، نشر حقوق دان، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۲. عربیان (جواد)، حقوق مالکیت‌های فکری: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۲.
۳. گرباود، الفبای حقوق پدیدآورنده: ترجمه لایقی (غلامرضا)، خانه کتاب، ۱۳۸۰.
۴. موسوی الخمینی (روح‌الله)، تحریر الوسیله، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۶۳، ج ۲.
۵. ولیدی (محمد صالح)، حقوق جزای عمومی، انتشارات سمت، جلد ۱، چاپ دوم، ۱۳۷۲.